



تقریر درس خارج فقه الصلاة آیت الله اراکی دامت برکاته

| مقرر | حجت الاسلام مرتضی اسدیان | جلسه | ۸۷ | تاریخ | ۱۴۰۱/۰۳/۰۷ |
|----------------|--------------------------|------|----|-------|------------|
| عنوان اصلی درس | نماز مسافر | | | | |
| فصل سوم | شرائط وجوب تقصیر | | | | |
| شرط اول | قطع مسافت | | | | |
| شرط دوم | قصد مسافت | | | | |
| شرط سوم | استمرار قصد | | | | |
| شرط چهارم | سفر، سفر معصیت نباشد | | | | |
| فروعات مسأله | | | | | |

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطیبین الطاهرین

پیش درآمد

بحث ما فرع جدیدی از فروع حکم سفر معصیت است. گفته شد که سفر معصیت در رابطه با روزه ماه رمضان، حکمش وجوب صوم است و نماز هم باید تمام خوانده شود. بحث امروز ما در این باره است که در عبادات مستحبیه چگونه است، اعم از صوم و صلوة؟ کسی در غیر ماه مبارک به سفر معصیتی می رود، آیا چنین شخصی می تواند صوم مستحبی بگیرد یا خیر؟ نوافل مستحبی می تواند بخواند یا نمی تواند؟ البته در مورد نوافل لیلیه، روایت داریم که از مسافر برداشته نشده و حتی می تواند قضای آن را هم بجا بیاورد. بحث در نوافل نهاریه است مثل ظهر و عصر. که آیا این نوافل، همانطور که در سفر مباح برداشته شده در سفر معصیت هم برداشته می شود یا خیر؟! مرحوم صاحب عروه در مسئله ۴۴ چنین می فرماید:

«يجوز في سفر المعصية الاتيان بالصوم الندي ولا تسقط عنه الجمعة ولا نوافل النهار والوتيرة فلا يجزى عليه حكم الحاضر»؛

این «حکم الحاضر» کلیّ مطلب است یعنی بطور کلی در عبادات مندوبه، یجری علیه حکم الحاضر.

در این جا سه تا مسأله داریم:

۱. صوم ندبی؛

۲. صلاه ندبی مثل نوافل نهاریه؛

۳. و دیگری در مورد نماز جمعه است بنا بر قول به وجوب تعیینی آن.

ببینیم در این مسائل حکم چیست؟!

قبل از پرداختن به مسئله اول، ما در این جا سه قاعده بیان می کنیم که حل و حکم این مسائل از این قواعد برگرفته می شود:

قاعده اول

قاعده اول تلازم بین افطار و تقصیر است، یعنی هر جا برای مسافر افطار واجب شد، تقصیر هم واجب خواهد بود. دلیل بر این مطلب چند روایت است که ما به دو مورد اشاره می کنیم:

الف: صحیحہ صدوق

«إِذَا قَصَّرْتَ أَفْطَرْتَ وَإِذَا أَفْطَرْتَ قَصَّرْتَ».

در سند این روایت همه رجال آن ثقات هستند. مگر محمد بن علی بن ماجیلویه که «شیخ» صدوق است. ما این بحث را در جای خود کرده ایم که مشایخ صدوق، آن هایی که در حقیقت تعبیر «رضی الله عنه» یا «رضی الله عنهم» بکار برده، ثقات هستند و این ترصی صدوق بر مشایخ خود، دلالت بر وثاقت دارد و بعضی تعمیم داده اند حتی به «ترخم»؛ ما در ترخم گفتیم به راحتی نمی توان ادعای ظهور بر وثوق کرد، چرا که شاید مؤمن منضبطی بوده باشد که چنین تعبیری در حقیقت گفته شده. منتهی تعبیر «رضی الله عنه» واژه مخصوصی است و بار معنایی خاصی دارد که از شخصیتی مثل صدوق نمی توان پذیرفت که این تعبیر را بدون توجه به بار معنایی آن گفته باشد. لذا سند، صحیح است.

محتوای روایت هم ملازمه را ثابت می کند. عرف مستمعین اینگونه برداشت می کنند که اگر وجوب افطار ثابت شد، وجوب تقصیر را به همراه خواهد داشت و اگر وجوب تقصیر ثابت شد، وجوب افطار را به همراه خواهد داشت. و مفهوم عرفی آن، تلازم است یعنی اگر تقصیر ثابت نشد، افطار واجب نیست و اگر افطار ثابت نشد، تقصیر واجب نیست.

ب: روایت دیگر صدوق

عن الأعمش عن الصادق عليه السلام: «إِذَا قَصَّرْتَ أَفْطَرْتَ» که این روایت چون سندش تام نیست به همان روایت اول بسنده می کنیم.

بر اساس این تلازم می توان به حکم صوم ندبی در سفر پی برد. البته ما روایات متعددی داریم که لا صیام فی السفر. و همچنین روایاتی که می فرماید صوم ندبی در سفر جایز است؛ حال ماکاری به این روایات نداریم. از آن روایتی که تلازم

بین افطار و قصر ثابت شد می توان فهمید اگر صوم ندبی در یک سفر صحیح باشد یا صوم در یک سفر واجب باشد، حکم تقصیر هم برداشته می شود، و اگر تمام بودن نماز در یک سفر ثابت شد، بالملازمه می توان گفت روزه در آن سفر نیز صحیح است.

بنابراین اگر دانستیم در سفر معصیت، تقصیر واجب نیست و تمام، واجب است، از این تلازم می توان پی برد که روزه صحیح است.

قاعده دوم

قاعده دوم تلازم بین تمام بودن نماز و صحت نوافل نهاریه است. این تلازم را از صحیحی ابی یحیی الحنطاط می توان ملاحظه کرد:

«لو صلحت النافله فی السفر تمت الفریضه»؛

پس اگر نافله صحیح باشد نماز، تمام است.

بنابراین دو بخش از مسئله مطروحه روشن شد.

بخش اول اینکه کسی که سفر معصیت می رود، صوم ندبی بر او جایز است، چرا که وقتی نماز تمام باشد بالملازمه یجوز له الصوم، وقتی تقصیر منتفی شد، افطار هم منتفی می شود.

از تلازم دوم باز هم استفاده می کنیم که نوافل نهاریه از مسافر به سفر معصیت صحیح است؛ چون صحت نوافل ملازم تمام خواندن نماز است، و چون در سفر معصیت نماز تمام است، نوافل هم صحیح است.

مسئله سوم: مسئله نماز جمعه است. که نماز جمعه بر مسافر به سفر معصیت واجب است؛ البته اگر قائل به وجوب تعیینی نماز جمعه در عصر غیبت باشیم، اگر قائل به وجوب تعیینی نباشیم چه برای حاضر و چه مسافر، برای مسافر به سفر معصیت هم وجوب تعیینی ندارد.

اما اگر قائل به وجوب تعیینی شدیم (کما اینکه ما قائلیم)، ۹ طایفه از این وجوب تعیینی استثناء شده؛ نظیر عبد و شیخ فانی و مجنون و.... یکی از این استثناءات مسافر است. پس چرا ایشان می فرماید نماز جمعه برای مسافر به سفر معصیت هم واجب است؟ دلیلش این است که دلیل رفع وجوب تعیینی نماز جمعه ظهور در رفع امتنانی دارد، و چون شخص عاصی در سفر معصیت محلی برای امتنان ندارد، رفع حکم تعیینی از مسافر به سفر معصیت انصراف دارد. لذا باز هم نماز جمعه برای او واجب است.

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ